عدالت مهدوي درقرآن

 آيت الله معرفت

بسم اللـه الرحمن الرحيم . در خدمت حضرت آيت‌اللـه معرفت هستيم . اميدواريم بتوانيم از بيانات گرانقدر اين دانشمند گرامي بهره ببريم.

با توجه به اين كه شما از معدود عالماني هستيد كه در كنار فقه و اصول و درس‌هاي متداول حوزه ، عمر خويش را در تفسير و علوم قرآني گذرانده‌ايد. بنابراين، خواهشمند است بفرماييد عدالت در قرآن چه مفهومي دارد؟ فرق آن با قسط چيست؟ ابعاد عدالت را نيز تبيين فرماييد .

استاد : بسم اللـه الرحمن الرحيم .

حتماً آقايان به عدالت اجتماعي نظر دارند. مقصود از عدالت اجتماعي ، ‌ايجاد توازن در جامعه است. منظور از توازن هم همان تناسب است. تناسب به معناي اين است كه هر چيزي در جاي خودش و در محدودة مناسب جاي بگيرد. اميرالمؤمنين فرمود : (( عليكم بتقوي اللـه و نظم أمركم.)) در اين كلام ((نظم)) به همين معنا است؛ يعني هر چيزي بايد طبق معيارهاي خاص خود ارزيابي شود . اين تناسب بايد در همة امور رعايت شود . ما مكرر ‌اين نكته را گفته‌ايم كه اصلاً زيبايي همان نظم است . برخي گفته‌اند : ((زيبايي را نمي‌توان تعريف كرد))، ‌ولي به نظر ما تعريف زيبايي اين است: ((وجود تناسب ميان اموري كه در كنار هم قرار گرفته‌اند)). صورتي زيبا است كه ابرو و چشم و... آن متناسب باشد. اگر بيني كسي دراز باشد، آن صورت ديگر زيبا نخواهد بود.

انبيا‌ همه‌ آمده‌اند تا در جامعه توازن برقرار كنند. توازن هم به اين معنا است كه هر كس به حق‌ خود برسد. هدف امام زمان هم همان هدف انبيا است؛ او تلاش مي‌كند تا هر حق‌داري به حقش برسد.

يكي از معاني آزادي،‌ بهره و نصيب‌بردن از حقوق مشروع است. اگر افزون بر حقوق خودش، حق ديگري را هم استفاده كرد،‌ آزادي را زير پا گذاشته است. معناي آزادي اين است كه در محدودة قانون حركت شود. قانون هم به معناي مرزبندي است؛ يعني ‌مشخص شود كه هر كس چه حقوقي دارد. يكي از اين حقوق،‌ حق تعليم و تربيت است. اگر كسي بگويد: ((فلان كس به خاطر اين‌كه از فلان نژاد است، پس حق ندارد آموزش ببيند))، آزادي او را سلب كرده است.

اين‌كه برخي آزادي را ((رهايي از هر قيدي)) معنا كرده‌اند، درست نيست.

در تاريخ طبري آمده است: وقتي مسلمانان به ايران لشكر كشيدند، فرمانده لشكر ايران از فرمانده لشكر اسلام پرسيد: ((براي چه آمده‌ايد؟)) او پاسخ داد: ((ما براي اينكه سرزميني را به سرزمينمان بيفزاييم،‌ به ايران لشكر نكشيده‌ايم. ما براي گسترش عدالت آمده‌ايم.)) از او مي‌پرسند: ((گسترش عدالت يعني چه؟)) پاسخ مي‌دهد: ((پادشاهانتان از شما آزادي را سلب كرده‌اند و شما حق انتخاب نداريد. ما آمده‌ايم تا شما را آزاد كنيم و كاري كنيم كه بتوانيد حقوقتان را استيفا كنيد)).

مي‌خواهم بگويم‌ عدل و آزادي و زيبايي و... به گونه‌اي هم‌معنا و هم‌مفهومند .

رابطة قسط و عدل چيست؟

استاد: قسط‌ يك نوع خاصي از عدالت است؛ نه اينكه چيزي باشد در مقابل عدل. قسط هم به معناي اين است كه هر كس به سهم خودش برسد.

در آن صورت،‌ عامي است كه بعد از خاص مي‌آيد.

استاد: بله، يك چيز خاصي نيست . امام زمان هم براي اجراي عدل و قسط مي‌آيد.

ابن عربي‌ يك بيان خوبي دارد. مي‌گويد از اين سخن حضرت رسول كه فرمود: ((يملأ به الأرض عدلاً و قسطاً )) معصوميت امام زمان به دست مي‌آيد .

يعني فقط معصوم مي‌تواند مجري عدالت‌ باشد؟

استاد: او مي گويد ما از اين سخن‌، عصمت حضرت را مي‌فهميم. وي مي‌گويد‌ عصمت پيامبر را با عقل اثبات مي‌كنيم،‌ ولي عصمت امام زمان را با نقل. دليل او اين است كه غير معصوم نمي‌تواند عدالت اينچنيني را برپا كند.

آيا از اينكه مجري آن عدالت بايد معصوم باشد، نمي‌توان فهميد كه معناي آن عدالت، چيزي فراتر از نظم و توازن و... است؟ در قرآن آمده است: ((ان الشرك لظلم عظيم)). از اين آيه مي‌فهميم،‌ تنها‌ توحيد است كه عدالت است .

استاد: من‌ در ابتدا گفتم‌ قاعدتاً‌ منظور شما‌ عدالت اجتماعي است و سپس عدالت را آن‌گونه معنا كردم. من‌ نگفتم عدالت به طور مطلق اين است. عدالت امام جماعت با عدالت قاضي و... تفاوت دارد. هر كدام معناي خود را دارند. عدالت در ولي‌فقيه معنايي فوق اين دو عدالت دارد. عدالت‌ مراتب دارد.

آيا مي‌شود عدالت حضرت را در يك زمينه برجسته كنيم؟ مثلاً بگوييم حضرت عدالت اعتقادي را گسترش مي‌دهد؟

استاد: اساس هم همين‌جا است. اين همه ظلم، براي اين است كه خدا فراموش شده است. شروع كار حضرت از همين‌جا است. رسول‌اللـه هم از اعتقاد مردم شروع كرد. به آنان گفت: ((قولوا لا إله إلا اللـه تفلحوا)).

شما عدالت را به معناي تناسب و زيبايي و توازن و... دانستيد. اين واژه‌ها تفسيرهاي مختلفي دارد. من تناسب را اين‌گونه مي‌دانم و ديگري طوري ديگر.

استاد: اينكه آزادي را معنا كردم براي جلوگيري از اينگونه مسائل بود. براي اجراي عدالت، به يك قانون جهاني نياز است. حقوق بشر را كه نوشتند براي پاسخ‌‌دادن به همين نياز بود. بايد مشخص شود كه چه چيزهايي حقوق طبيعي انسان است. وقتي اينها مشخص شد،‌ مي‌توان گفت دولتي كه حاكم است،‌ عادل است يا نه. اگر انسان‌ها در بهره‌گيري از حقوق خود با مانع و مشكلي برنخوردند و حقشان ضايع نشد،‌ آن نظام نظام عادلي است؛ اما اگر در جامعه تبعيض بود،‌ معلوم مي‌شود كه آن حكومت عادل نيست؛ زيرا، ((كل شيء في موضعه)) تحقق نيافته است. از عبارت ((بعد ما ملئت ظلماً و جوراً)) مي‌فهميم تا پيش از ظهور حضرت، آزادي كامل و جهاني نيست؛ توازن كامل و جهاني نيست؛ زيبايي كامل و جهاني نيست.

آيا در نظام عدل علوي، اين اتفاق افتاد؟

استاد: حضرت تلاش خود را كرد؛‌ اما به طور كامل نتواست آن را پياده كند؛‌ چون نگذاشتند حضرت اين كار بكند. مردم آن زمان رشد كافي براي اجراي چنين عدالتي نداشتند.

چه تضميني هست كه امام زمان بتواند؟

استاد: يكي از حرف‌هاي اساسي‌ كه من دربارة حضرت دارم،‌ اين است كه آن حضرت آن‌قدر در ظهورش تأخير مي‌كند تا مردم آمادة ظهور شوند. بايد سطح فكر مردم به اين حد برسد. اگر نرسد، حضرت هم ظهور نخواهد كرد.

الآن، اين حاصل نشده است. شما ببينيد،‌ كسي آمده و به من آخوند چيزي گفته است. برخي مي‌گويند: ((او مشرك شده است و يجب ذبحه من القفا))!

اين نشان ميدهد كه ما براي خودمان امتيازي را معتقد هستيم! تاوقتي اين‌طور است،‌ زمينه براي ظهور حضرت آماده نيست.

آيا بشر مي تواند آن قانون جامع جهاني را بنويسد؟‌

استاد: نه؛ نمي‌تواند. آن قانون جهاني را بايد كساني بنويسند كه از همة‌ تعلقات حزبي و گروهي و نژادي و ... رها باشند. بشر اين گونه نيست. تعلقات او زياد است. بنابراين شارع مقدس براي بشر قانون فرستاده است. دين آمده است تا مرز حقوق را مشخص كند تا در ساية‌ آن، مردمان آسوده زندگي كنند.

آيا حضرت،‌ عدالت را در همة زمينه‌ها گسترش مي‌دهد يا فقط در زمينة عدالت اجتماعي؟

استاد: وظيفة حضرت اين است كه عدالت را در زمين بگستراند؛ يعني‌ همه مي‌توانند از حقوق خود استفاده كنند. حضرت اين زمينه را فراهم مي‌كند كه كسي به كسي ظلم نكند، اما اينكه در جايي اصلاً ظلم نشود،‌ معلوم نيست كه وظيفة حضرت باشد. آري،‌ اگر كسي شكايت بكند،‌ حقش از ظالم گرفته مي‌شود.

اينكه گفتم‌ حضرت جلوي ظلم‌هاي فردي را نمي‌تواند بگيرد،‌ براي اين است كه او كسي را نمي‌تواند مجبور كند. انسان هم موجودي است مختار. اگر بحث اجبار بود، با اين همه‌ پيامبر اين كار ممكن بود .

در روايت است: ((حضرت ترازوي عدالت را مي‌گذارد و لايظلم أحد أحداً)).

استاد: اين روايت، معنايش اين است كه مقتضي ظلم را بر مي‌دارد. گناهاني كه مي‌شود، از رشوه‌خواري و فساد و قتل و دزدي و... به سبب اين است كه زمينة اين كارها وجود دارد. چون حقوق‌ كارمند به اندازة نيازش نيست،‌ زمينه براي رشوه‌خواري فراهم است . حضرت كاري مي‌كند كه كارمند‌ نيازش برطرف شود. پس زمينة رشوه‌خواري را از او گرفته است، ولي اگر زمينة گناه برداشته شد،‌ نمي‌توانيم بگوييم‌ ديگر اصلاً گناه نمي‌شود!

در انگلستان،‌ پس از استخدام يك كارمند‌ بلافاصله به او خانه مي‌دهند و پول آن را كم‌كم از حقوقش بر‌مي‌دارند. حضرت امير، سلام‌اللـه عليه، به مالك مي‌گويد‌ به كارمندانش پنهاني رسيدگي كند تا گرفتار نباشند.

مثلاً زياده‌خواهي‌ها سبب ظلم مي‌شود.

استاد: بله.

اينكه در روايات داريم‌ عقل بشر كامل مي‌شود، به گونة‌ اعجاز است يا نه؟

استاد: به اعجاز نيست . اگر مي‌خواست به اعجاز باشد ، از روز اول اين كار مي‌شد.

آيا اكنون حضرت براي زمينه‌سازي كاري انجام مي‌دهد؟

استاد: بله، يكي از كارهاي حضرت دعا‌كردن است. ايشان هم براي ظهور دعا مي‌كند. به نظر من، الآن زمينه دارد كم‌كم آماده مي‌شود. با اينكه اين همه عليه اسلام دارند تبليغ مي‌كنند، ولي اسلام دومين دين رسمي در اروپا است!

سبب رشد اسلام، انقلاب اسلامي است. بزرگ‌ترين كاري كه امام ـ رضوان‌اللـه‌عليه ـ كرد ،‌ اين بود كه چهرة حقيقي اسلام را به جهانيان نشان داد. چهرة حقيقي اسلام، مردمِ خسته از همه مكاتب را به اين سو آورد .

در برخي از روايات است كه وقتي حضرت تشريف مي‌آورد، جوي خون راه مي‌اندازد.

استاد: اينها خيالات همان كساني است كه اينها را نوشته‌اند. اينها درست نيست. حضرت وقتي مي‌آيد كه زمينه آماده باشد. وقتي زمينه آماده بود،‌ نياز به خون‌ريزي‌هاي اين‌چنيني نيست.

انقلاب اسلامي چرا پيروز شد؟ آيا براي پيروزي‌اش خون‌ريزي آنچناني شد؟ آمار شهدايي را كه براي پيروزي اين انقلاب داده شد، با كشته‌گان ديگر انقلاب‌ها بسنجيد! مردم از ظلم آن رژيم سفاك به ستوه آمده بودند و ديدند امام حرف دل آنان را مي‌زند و در ادعايش هم كه نجات مردم بود،‌ راستگوست؛ لذا تبعيت كردند و با كم‌ترين تلفات ‌پيروز شدند .

مردم آن زمان هم چون به اين درجه از تبعيت رسيده‌اند، با كم‌ترين تلفات به پيروزي مي‌رسند.

حضرت را بايد به عنوان ((رحمت الهي)) مطرح كرد. ايشان‌ مانند پيامبر ـ صلي اللـه عليه و آله ـ‌ است. او رحمة للعالمين بود؛ ايشان هم اينچنين مي‌باشد.